محصلین ایرانی در آلمان

خود را با هزاران برگ‏وساز بچّه‏گانه و مضحک عرضهء مسخرهء بیگانگان‏ میکنند و با وجود این مسخره بر کفش و نعلین خودشانرا موجب کفر شمارند یعنی در واقع ردّ و دفع هرآنچه از امور مخالف عقل و آزادی‏ و ذوق سلیم بردین عارض شده و موجب وهن آن گردیده و همهء آنها از امور ما انزل اللّه بها من سلطان است یک خدمت بزرگ توصیف نا پذیری باخلاق اجتماعی و تربیت روحانی مردم دنیا است چه در ممالکی که‏ اصلاح و تجدید دینی مطابق روح ترقّی علمی و تمدّن زمان بعمل‏ نیاید-و باآنکه بجای مکاتب قدیمه دارالفنونها جدید بنا شده و علم و ادب و حکمت و فلسفه ترقّی یافته و رواج گرفته باشد و بجای سفر با الاغ راه‏آهن آمده باشد هنوز اوضاع دینی پراز موهومات اختراعی‏ جهّال مانده و گیاههای هرزه و زشت برگلهای معرفت اصلی غلبه کرده‏ باشد و قصّهء بئر العلم و زعفر جنّی و عوج بن عناق و بلعم باعور و قصّهء جعبهء نخ رگهای زمین و سنّت قمه زدن و نخل بلند کردن از حکمتهای‏ عالی منع مسکرات و استحباب سنّت سبق و رمایه و آیات بلند پایه و سنن‏ حیمانهء اصلی در قدر و اعتبار بیش باشند-در چنین ممالک طولی نمیکشد که ترقّی علوم طبیعی مبنی بر محسوسات رونق بازار عوارض جاهلانه را شکسته و روشنائی علم گربه را از سمور تمیز میدهد آنوقت ناچار یا سدّ جهل تعصّب بیک انقلابی بر میافتد و سیل معرفت بیکبار هجوم میکند ولی بدبختانه در ابتدای امر این سیل نه تنها خار و خاشاک را از باغ‏ برمیاندازد و ریشه‏کن میکند بلکه یکباره باغی را که بغفلت باغبانان جنگل‏ پرخاری شده فرا گرفته و گلها را نیز با گیاههان هرزه از بیخ و بن بر میکند و آتش انقلاب تروخشک را باهم میسوزاند و یا بتدریج مردم‏ علوم حقیقی دنیوی را فرا گرفته و بواسطهء غرابت فوق العاده ظواهر عارضی دین که دردست مشتی مکتسبین بدین آلت مسخره شده مطلقا از دین بیزار و سیر شده و مسخره میکنند و بکلّی بیدین میشوند یعنی‏ نه تنها عدّه‏ای از فلاسفه و حکمای قوم بلکه عامّه نیز دستشان از یک‏ رادع وجدانی و مایهء تسلیت روحانی خالی میشود و قسمتی از اخلاق حسنه‏ که قرنها و هزاران سالست تکیه بردین دارد و در مزرع تربیت آن نشوو نما یافته پایه‏اش متزلزل و بلکه منهدم میشود و نتیجه آن میشود که‏ اخلاق اجتماعی آن ملّت بغتة دچار بحران میشود و اگر ملّت خام و کم‏ ظرف و در علم و تمدّن نارس باشد که شاید قدیم را محض گناه قدمش‏ مردود خواهند شورد و بعضی افراد آن میل خواهند کرد که کلاه را بپا بپوشند و کفش را بسر تا مصداق«تجدّد»کامل بشوند.مثلا در ممالک‏ مسلمان حرمت مسکرات را نیز نظیر حرمت تعلیم نسوان فرض کرده و تصوّر خواهند کرد باقتضای ترقّی و تمدّن همه یکجا باطل شد و محض ترویج تمدّن‏ آنقدر عرق خواهند خورد که مانند سکنهء جزایر ساندویچ از جزایر اقیانوسیه کاملا منقرض گردند1و چون شنیده باشند که علمای بزرگ‏ و مجتهدین واجب الأطاعه و حجج اسلام و آیات اللّه علی الأنام قبّة الأسلام‏ تبریز در سنه 1319 اجتماع و ازدحام و بلوا نموده در لایحه‏ای که بحکومت‏ ولیعهد در شرح تقاضاهای خود تقدیم داشتند«موقوفی امور نامشروع را از میخانه و مهمانخانه و معلّمخانه»2مطالبه نمودند گمان خواهند کرد که میخانه هم‏مانند معلّمخانه از شرایط و اسباب ترقّی ملّی است.

دلیل این مدّعا گمان میکنم در فرق اخلاق عمومی در ممالک‏ کاتولیک و پروتستانت اروپا محسوب است.اخلاق اکثر جوانان فرنگی‏ مآب ایران نیز مؤیّد دیگر این ادّعا است.

لکن یک نکتهء باریک نباید ناگفته بماند که باوجود شدّت لزوم‏ اصلاح و همّت در این کار و بداهات محسنّات ظهور یک مجدّد دینی در اسلام‏ و ایران این اقدام کار هرکس نیست و محض لزوم این کار برای ترقّی‏ ملّت و جهات سیاسی و اجتماعی ممکن نیست که یکنفر شخص غیر معتقد که قلبا شور ایمان ندارد و حقیقة معتقد آنچه میگوید نیست برخاسته‏ و اصلاحی بنوک قلم در چند فصل و باب از راه ملاحضهء مصالح دنیوی‏ ترتیب دهد بلکه باید مؤسس این اصلاح واقعا معتقد و متدیّن باشد و اقدام وی طبیعی و فطری باشد نه مصنوعی و از روی عقل و تأمّل‏ و ملاحظهء مصالح اجتماعی و سیاسی.

محصّلین ایرانی‏ در آلمان

در باب تحصیل و زندگی محصّلین ایرانی در آلمان و شرایط قبول‏ آنها در زیر اداره و سرپرستی«هیئت مواظبت محصّلین ایرانی»لازم‏ است باز چند کلمه توضیح داده شود.این توضیح در واقع علاوه‏بر عرض باطّلاع عامّه جواب مکاتیبی هم هست که از طهران و اصفهان‏ و همدان و اردبیل و تبریز رسیده و در این باب سؤلات نموده‏اند.

1-در باب مخارج سالیانهء محصّلیم هیچ میزان معیّن سالیانه نمیتوان‏ بدست داد و آنچه سابقا در کاوه نوشته شده بمرور زمان تغییر یافته و در واقع بواسطهء ترقّی و تنزّل غیر متعارفی پولها و مخصوصا پول آلمان و تغییر متوالی نسبت آن بلیرهء انگلیسی و نسبت لیرهء انگلیسی بتومان ایران از یکطرف و گرانی و فرق فاحش قیمت همه‏چیز و تغییر تند تند آن از ماهی بماهی از طرف دیگر تعیین یک میزان ثابتی را برای زندگی سالیانه‏ در آلمان مشکل ساخته.مثلا بمیزان این دو سه هفتهء آخری که پول‏ (1)جزایر ساندویچ یا هاوائی یک مجمع الجزایریست در قسمت پولینزی از اوقیانوسیّه مرکب از هشت جزیرهء مهمّ و چند جزیرهء کوچگتر.پایتخت این جزایر که از سنه 1316 باین طرف در زیر ادارهء دولت ایالت متّحدهء آمریکا است‏ هونولولو است.سکنهء این جزیره آنقدر در مسکرات منهمک شده بودند که عاقبت‏ تقریبا منقرض شدند.امروزه این جزایر باز قریب بصد هزار نفر سکنه پیدا کرده.

(2)معلّمخانه سابقا در آذربایجان مدارس جدیده را مینامند.

آلمان تنزّل فاحش کرده و لیرهء انگلیسی ببالاتر از چهار صد مارک رسید ممکن است زندگی ماهانهء محصّلین را در آلمان با تمام مخارج از همه جهت از سه تا پنج لیرهء انگلیسی تخمین کرد ولی خیلی ممکن است مثلا پس از دو سه ماه لیرهء باز مثل سه ماه قبل 230 مارک میشود و از آنطرف قیمت زندگی سی‏ در صد گرانتر شود و در آنصورت مخارج ماهانه از 7 الی 11 لیرهء انگلیسی‏ خواهد شد لهذا تعیین هیچ میزان ثابتی بالیره و تومان ممکن نیست مگر آنکه با مارک و بطور تخمین میتوانیم بگوئیم در حکم امروز بنسبت سنّ‏ و مراتب تحصیلات محصّلین با هزار و دویست تا هزار و پانصد مارک در ماه ممکن‏ است تحصیل و زندگی کرد و در هر شش ماه دیگر شاید صدی ده براین مبلغ‏ اضافه شود و اینهمه در صورتی است که اوّلا سنّ محصّل بیشتر از 18 سال نباشد و ثانیا لباس بقدر کافی و چندین دست از بالا پوش و زیر پوش همراه‏ داشته باشد که اقلاّ تا یک سال محتاج بخرید کلّی نباشد،ثالثا تحصیلات‏ مقدّماتی داشته و زبان آلمانی را کمی بداند ورنه درس خصوصی در خارج‏ برای مهیّا شدن دخول در کلاس مدرسه خیلی گران تمام میشود.و برای‏ خریدن لباس و بالا پوش زمستانی و غیره نیز خود چهار پنج هزار مارک‏ از پول سالیانه و بلکه بیشتر صرف میشود.همچنین در صورت ورود ناگهانی محصّل ببرلین بدون آنکه پیش از وقت نوشته و با ادارهء هیئت‏ مواظبت محصّلین مکاتبه نموده باشد و محلّ اقامت او پیش از ورود تعیین شده‏ باشد مخارج یک یا دو ماه انتضار در برلین برای پیدا شدن خانواده‏ای‏ در سایر بلاد آلمان برای اقامت و تربیت او خود ماهی بیشتر از دو هزار مارک ممکن است تمام شود و همین است که هیئت مواظبت تمام محصّلین را که در تحت نظارت او هستند بشهرهای دیگر آلمان میفرستد.بهر تقدیر مخصوصا مخارج سال اوّل ورود محصّل(در صورتی هم که پول تنزّل و یا قیمت‏ اشیاء ترقّی نکند)از سالهای بعد گرانتر میشود.

2-محصّلینی که بآلمان میخواهند بیایند بهتر است کمتر از 16 سال‏ و بیشتر از 20 سال نداشته باشند و تا یکدرجه تحصیلات مقدّماتی کرده‏ باشند که در اینجا پس از تعلّم زبان آلمانی فورا در دارالفنونها برای‏ فراگرفتن یک فنّ و رشتهء مخصوص داخل شوند و یا اقلاّ بتوانند به کلاس‏ قبل از آخری مدارس متوّسطه داخل شوند.جوانی که تحصیلات‏ مقدّماتی هیچ ندارند و سنّشان بیشتر از 12 و 13 سال است آمدنشان باروپا برای تحصیل تقریبا بیفایده است.اطفال خرد سال میتوانند از مقدّمات‏ ابتدائی گرفته و مرتّبا تحصیل کنند ولی اینهم تعریفی ندارد چه دورهء تحصیلاتشان طول میکشد(دورهء مدارس متوسطّه در آلمان 9 سال است) و بالأخره اگر پس از 14 سال در دارالفنون را ختم کنند در صد پنج نفر آنها بایران بر نخواهند گشت.

3-هر محصّلی باید آنچه ممکن است لباس و رخت زیر پوش‏ بقدر کفایت و وسعت همراه بیاورد که بمجرّد ورود محتاج خرید انواع‏ ملبوسات و پیراهن شب بالاپوش بارانی و چتر و کفش و غیره نباشد. 4-اولیای محصّلین باید ترتیب رسیدگی بحساب پولیرا که‏ سالیانه برای مخارج محصّلین بهیئت مواظبت میپردازند پیش از وقت‏ معیّن کنند یعنی یا کسی را در آلمان و یا نقطهء دیگر از اروپا معیّن فرمایند که صورت حساب تفصیلی سالیانه یا ششماهه بآن شخص برای رسیدگی‏ و تدقیق تقویم شود و یا قرار بدهند بخود ایشان فرستاده شود ولی باید بگوئیم که این صورت حسابها بزبان آلمانی و با ماشین نوشته میشود و ادارهء هیئت مواظبت منشی فارسی و محرّرین متعدّد برای این‏کار ندارد.

5-محصّلیم که بآلمان فرستاده شده و بیک خانوادهء نجیبی سپرده میشوند که هم‏ تربیت شده و هم در آنجا بمدرسه داخل شوند.در آلمان برای آنها نه تحصیل‏ فارسی و عربی و سواد ایرانی ممکن است و نه مدرسه‏ای مخصوص ایرانیها است.این توضیح در جواب اشخاصی است که اغلب مینویسند و میپرسند آیا در اینجا ما یک مدرسهء ایرانی داریم و آیا اطفال ایرانی که باینجا میآیند سواد و تحصیلات ایرانی هم در اینجا فرا میگیرند!

6-دانستن و ندانستن زبان آلمانی برای محصّلینی که بآلمان میآیند اهمیتّ‏ زیادی ندارد در صورتیکه شرایط لازمهء دیگر را دارا باشند یعنی تحصیلات‏ مقدّماتی علمی در زبان خود یا زبان دیگری داشته و سنّشان پرزیاد نباشد چه زبانرا بسعی وافی در مدّت کمی باندازهء لزوم میشود فرا گرفت‏ خصوصا وقتیکه شخص تنها در میان اهل لسان بسر میبرد.

7-مخارج ادارهء هیئت مواظبت از مواجب منشی و کرایهء اطاق کار و ماشین تحریر و چاپ اوراق و مخارج پستی زیاد و تلگرافات‏ و لوازم تحریر و غیره که جمعا در سال بالغ بر هشت هزار مارک میشود فعلا بمحصّلین ایرانی تحمیل نمیشود و از طرف اشخاص اهل خیری که‏ مؤسس این بنا شده‏اند پرداخته میشود.1 8-هر محصّلی که بتحت مواظبت و سر پرستی«هیئت مواظبت‏ محصّلین ایرانی»سپرده میشود باید در ابتدا و پیش از وقت مخارج یک‏ سالهء وی در یکجا بصندوق انجمن مواظبت که در تجارتخانهء پتاق آلمانی‏ در برلین است سپرده میشود.وجه مزبور را ممکن است بتوسّط ادارهء کاوه‏ یا وسیلهء دیگری بانجمن مواظبت رسانید.اگر بجهتی از جهات اولیای‏ اطفال یا خود محصّلین از مداومت بر تحصیلات خود منصرف شده بخواهند پول را پس بگیرند این کار فورا ممکن نیست و باید اقلاّ سه ماه پیش‏ اطّلاع بدهند چه پولها در نزد بانک بحساب سالیانه و بطور ثابت گذاشته‏ میشود نه بطور روزانه.

9-انجمن مواظبت محصّلین ایرانی که فعلا مرکّب از 9 نفر آلمانی‏ وایرانی است مستقیما با محصّلین ایرانی طرف نیست و فقط از گاهی بگاهی‏ در موقع لزوم و برای مشاوره در مطالب مهمّه جلسهء آن منعقد میشود. کلیّهء امور جاریه و سروکار محصّلین مستقیما با منشی کلّ انجمن که یک‏ خانم محترم آلمانی است میباشد و برای قطع و فصل امورات رئیس آلمانی و (1)قریب یکسال و نیم ادارهء کاوه متحمّل این مخارج بود.

رئیس ایرانی انجمن همه روزه مواظبت دارند و در هر امری از امور مهمّه منشی کلّ با مشورت آنان کار میکند.

\*\*\*

جواب مسئلهء 2 شطرنج‏ در شمارهء 4 کاوه

شش ماه است که این مسئله طرح شده البّته هرکس تا بحال آنرا حلّ نموده جواب نوشته و بادارهء کاوه هم رسیده است و زیاده براین‏ انتظار جایز نیست.

اسامی اشخاصی که جواب این مسئله را بطور صحیح حلّ نموده‏اند و جایزهء ادارهء کاوه را ربوده‏اند از قرار ذیل است و من بعد اگر از کسی‏ جوابی برسد که صحیح باشد فقط اسم آن شخص را درج خواهیم نمود: 1-آقای قونسول ویلهلم لیتن قونسول دولت آلمان در لیباو(لتلاند)

2-آقای دکتر جلیل خان مؤید الحکما از ژنو(سویس)

3-آقای میرزا عبد الباقی خان رخشا از اسلامبول.

بدبختانه این سه نفر که تیرشان درست بهدف آمده هر سه نفر مقیم اروپا هستند و از خود ایران جوابهائیکه آمده تماما غلط است.حتّی یکنفر از آگاهان رموز شطرنج در کرمان راه حلّ‏ غریبی برای این مسئلهء 2 پیدا نموده و شرح آن چنانکه از کرمان باین‏ اداره نوشته شده از اینقار است:«در چند شب قبل چند نفری از شطرنج بازهای معروف کرمانی در محلّی گردآمده پس از چهار ساعت‏ تبادل افکار همه متّفق القول شدند که این مسئله اصلا حلّ نمیشود و یکنفر که او را سیاستناک و وطنچی«فکوری»میدانند و از او همه‏ حساب میبرند با ذوق و شوقی بی‏نهایت اظهار داشت که حلّ مسئله را پیدا کردم همه متوجّه شدند گفت روزنامهء کاوه خواسته است درجهء حماقت و«خریّت»ایرانیها را بفهمد و این مسئلهء حلّ نشدنی را طرح کرده که بفهمد آیا در ایران صاحب فکری پیدا میشود بگوید این مسئله لا ینحلّ است اکنون اینرا یادداشت کنید و پس از آنکه‏ مطلب معلوم شد بفکر من تحسین نمائید».

بعدها معلوم میشود حضّار جلسهء مزبوره چون خود را در حلّ‏ مسئلهء شطرنج وا مانده دیده‏اند چنانکه افتد و دانی قدم بمیدان انتقاد گذارده و در صفحهء آن میدان اسب تازیها نموده و اظهاراتی ردّ و بدل‏ داشته‏اند چنانکه از آن جمله یکی گفته:«حقیقة راست است که‏ مگویند این کاوه‏ایها مرتدّ شده و بدون دلیل میگویند باید پاک فرنگی‏ مآب شد و تمدّن اروپائی قبول نموده و روضه خوانها حقّ دارند بگویند حیف کاوه که مندرجاتش اسلامی و دینی نیست و گول فرنگیها را خورده‏ و از راه دین داخل نشده میخواهد ایران آباد شود در حالتیکه مردم‏ را به بی‏دینی دعوت میکند(!).دیگری گفت الحقّ که همینطور است‏ دیدی دموکراتها از روضه‏خوانی سر قبر آقا سیّد جواد چقدر نفوذشان‏ جلو افتاده و چه اندازه مردم جمع شدند و انگلیسها حساب کار خودشانرا کرده دمشانرا روی کول گذاشته و اسباب قشون جنوبشانرا حراج‏ کردند حالا کاوه‏ایها کجا هستند اینها را ببینند و دیگر از این حرفاها تو روزنامه ننویسند».در جواب عرض میشود که کاوه‏ایها در برلن‏ در مرکز اروپا هستند و تأسّف دارند که اثبات همهء مطالب بآسانی‏ حلّ این مسئله«لا ینحلّ»شطرنج نیست ولی اگر مشت را بتوان نمونهء خروار دانست شاید ملاحظهء جواب مسئلهء شطرنج که بنظر جمعی از «اهل خبره»حلّ ناپذیر بوده جواب مسکت برای حقّانیّت سایر مطالب‏ کاوه‏ایها باشد و مدّعیان ما از این جزئی پی بکلیّت ببرند.

بدبختانه نه نگارنده را مجال و نه روزنامهء کاوه را وسعت آنست‏ که بچون و چرا بپردازیم و بهتر آنست آقایانی که جوابی فرستاده‏ و بخیال خود آنرا صحیح دانسته و پس از ملاحظهء جواب صحیح‏ مسئله که در ذیل مندرج است باز در صحّت حلّ خود اصرار دارند بآقایان ثلاثهء فوق الذّکر که جواب صحیح فرستاده‏اند رجوع نموده‏ و این مرافعه را بین الأثنین خاتمه دهند و الاّ بیم آن میرود که در این‏ زمان که شاهان فیل‏افکن از صفحهء هستی رخ میتابند کاوه میدان‏ بازی شاه و وزیر شده و دیگر هرچه اسب بتازد از این هنگامه گریبان‏ نتواند بدر ببرد.

جواب مسئلهء نمرهء 2 از اینقرار است:

حرکت اوّل سفید:ف هـ 7-ا 3 جواب مهرهء سیاه:پ ح 6-ح 5

حرکت دوّم سفید:و د 2-ح 6+مهرهء سیاه هر حرکتی بنماید

حرکت سوّم سفید:ف ا 3-و 8 یا و ح 6-و 6 و سیاه بهر صورت‏ مات است.

سیاه ممکن است در جواب حرکت اوّل سفید حرکتی نماید غیر از حرکت فوق یعنی‏پ ح 6-ح 5 در این صورت حرکت دوّم سفید هم بجای و د 2-ح 6+از اینقرار خواهد بود:و د 2-ب 4.

\*\*\* در اینجا لازم است گفته شود که مسائلی که در کاوه طرح میشود فقط یک راه حلّ دارد و بس باینمعنی که حرکت اوّل سفید منحصر بیک‏ حرکت مخصوصی است که تمام حلّ مسئله بسته بکشف آن حرکت است.